



راهبرد رزمی موسی بن نصیر در افریقا و اندلس در زمان خلافت ولید بن عبدالملک

پوهندوی حبیب الله حازم

دپارتمنت تاریخ پوهنځی علوم اجتماعی پوهنتون بدخشان، بدخشان افغانستان

@gmail.com9181habibullahhazem

۶۷۱۵-۱۸۰۰-۰۰۰۹۰۰۰۴

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

فتوحات اسلام بیرون از مرز عربستان در عصر خلفای راشدین آغاز و در دوره‌های بعد با تغییر اهداف این روند ادامه یافت. هدف از نگارش این مقاله بررسی راهبرد رزمی و سیاسی موسی بن نصیر در افریقا و اندلس و گسترش مرزهای اسلام در آن سوی آب‌ها و نقش خرمندانه و شجاعانه وی می‌باشد. روش این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای بوده است، که با رجوع به منابع موثق و معتبر تاریخی، اطلاعات فیش‌برداری و سپس تجزیه و تحلیل گریده است. یافته‌های تحقیق دال بر آن است، که دولت اموی با به کارگیری شیوه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری توانستند قلمرو اسلام را به سرزمین‌های زیادی گسترش داده و نفوذ و نفوس حاکمیت اسلامی را بسط بیشتری بدهند. این گسترده‌گی از میانه شرق آسیا تا اقیانوس اطلس در غرب وسعت یافته بود. این سیاست در زمان بنیان‌گذار این سلسله حضرت معاویه رض آغاز گردیده بود و در زمان جانشینان وی نیز تداوم یافته و به روزگار ششمین خلیفه‌ی اموی ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶) به اوج خود رسید. فتح سرزمین‌های افریقای شمالی و اندلس، از رویدادهای مهم تاریخ قرن اول هجری است، که موجب آمیزش و اتصال اروپا، آفریقا و آسیا در طی هشتصد سال گردید؛ در این میان نباید نقش (موسی بن نصیر) و درایت فرمانده‌اش (طارق بن زیاد) را نادیده گرفت. وی سیاست‌مندترین فرماندهان قرن اول هجری بود. هرچند در جریان این فتوحات شرایطی فراهم گردید که نتیجه‌ی فتوحات را به نفع موسی بن نصیر پایان بخشید، ولی کاردانی و درایت نصیر را نمی‌توان انکار کرد.

کلیدواژه‌ها: آفریقا، اندلس، موسی بن نصیر، طارق بن زیاد

Simile and Its Layers in Surah Al-Rahman: An Applied Rhetorical Study

Habibullah "Hazim"

History Department of Social science faculty , Badakhshan

University, Badakhshan Afghanistan

habibullahhazem91@gmail.com

٩٧١٥-١٨٠٠-٠٠٠٩٠٠٠٤

Author

E-Mail

Orcid

Abstract

The Islamic conquests beyond the borders of Arabia began during the era of the Rashidun Caliphs and continued in subsequent periods with evolving objectives. The purpose of this article is to examine the military and political strategies of Musa ibn Nusayr in Africa and Al-Andalus, as well as his role in expanding the frontiers of Islam across the seas, highlighting his wise and courageous leadership. This research adopts a library-based method, gathering information from reliable and authentic historical sources, followed by analysis. The findings indicate that the Umayyad state, through a combination of hard and soft power strategies, succeeded in extending the Islamic territories to vast lands, thereby expanding the influence and authority of Islamic governance. This expansion stretched from the middle of East Asia to the Atlantic Ocean in the west. The foundation of this policy began with the founder of the Umayyad dynasty, Muawiyah (may Allah be pleased with him), and continued under his successors, reaching its peak during the reign of the sixth Umayyad Caliph, al-Walid ibn Abd al-Malik (86-96 AH). The conquest of North Africa and Al-Andalus stands as one of the most significant events in the history of the first Islamic century, fostering the integration and connection of Europe, Africa, and Asia over the course of 800 years. In this context, the roles of Musa ibn Nusayr and his skilled commander, Tariq ibn Ziyad, should not be overlooked. Musa was one of the most astute commanders of the first Islamic century. Although the circumstances of these conquests ultimately favored Musa ibn Nusayr, his skill and insight cannot be denied.

Keywords: Africa, Al-Andalus, Musa ibn Nusayr, Tariq ibn Ziyad.

مقدمه

هدف از فتوحات مسلمانان گسترش اسلام در خارج از مرزهای عربستان در عصر خلفای راشدین و در دوره‌های بعد با تغییرات اهداف فتوحات، این جریان تداوم یافت. دوره‌ی عبدالملک بن مروان و جانشین وی دوره‌ی فتح، گشایش و توسعه بود. قلمروی خلافت اموی از شرق به غرب وسعت یافت و زندگی مسلمانان بهبود چشم‌گیری پیدا کرد. در عصر ولید در اثر امنیت و آرامشی که به وجود آمده بود، توانست با ادامه‌ی فتوحاتی که در دوره‌ی خلفای سابق صورت گرفته بود، روند را دنبال نموده و قلمرو خلافت را وسعت بخشد. در زمان ولید سه نفر هریک قتیبه بن مسلم باهلی و محمد بن قاسم ثقفی و موسی بن نصیر شهرت زیاد یافتند و تلاش آن‌ها در فتوحات موثر افتاد.

ولید در گام نخست از نتایج زحمات پدرش برخوردار شد. نیروی نظامی، بسیار توسعه یافته خلافت اموی به اوج خود رسیده بود و خلیفه قدرت آن‌را یافته بود که به عظمت و شکوه خلافت بیفزاید. برای این که خلیفه همه نقشه‌های خود را عملی کند پول کافی در اختیار داشت؛ به‌منظور این که سیاست مالی پدرش با دوراندیشی همراه بود و درآمدها به علت مسخرشدن سرزمین‌های تازه افزایش یافته و سوریه و مصر از برکت آرامش و آسایش آباد شده بود، در سرزمین‌های شرقی درآمدها رو به کاهش می‌رفت. در سیر فتوحات در غرب مسلمانان در سال ۸۶ هجری / ۷۰۵م تا کرانه‌های اقیانوس اطلس پیش رفتند که در این پیشروی‌ها فرمانده ایشان موسی بن نصیر فرماندار افریقا بود. وی نخستین فردی بود که تا اروپا پیش رفت و موسس نخستین حکومت اسلامی در اروپا شناخته شد، که به مدت هشت صد سال حکومتش تداوم یافت.

تبیین مسأله

ما در شرایط تهاجم، تعدی و تحریف و جنگ فکری جهان قرار داریم، بسیاری از مستشرقین و حتی دانشمندان اسلامی زیر تاثیرات و تبلیغات غرب قرار گرفته و به این عقیده هستند که اسلام از خود تاریخ ندارد، حتا به باور غلط آن‌ها، اسلام جز جنگ، قتل و غارت و سرقت سرمایه‌های ملت‌های دیگر هیچ نقشی در بیدارگری و حرکت تمدن و نشر و پخش آن نداشته‌اند. در حالی که تمدن اسلام در نخستین گامش در جامعه‌ی جاهلیت دگرگونی و تغییرات کلی آورد. هنگامی که دین اسلام در سرزمین اعراب بدوی طلوع نمود، انسانیت انسان زیر پرورش قرار داشت، ولی آهسته آهسته چتر اسلام بر فراز جامعه‌ی عرب گسترش

یافت و از مرزهای عربستان عبور و شرق و غرب را فرا گرفت. آن گاه که فاتحین نامدار اسلام مرزهای کفری را شکستند و دروازه‌های اروپا را باز کردند و مردم اروپا (اسپانیا) اسلام را دین عدالت دریافتند و به اسلام مشرف گردیدند و متأثر از اخلاق و سلوک مسلمانان شدند، از دنیای غرب در بعد اخلاق و انسان‌سازی خبری نبود. هدف از جنگ‌های مسلمانان تأمین عدالت و برقراری صلح در جامعه بشری بوده است. تمدن یعنی جنگ برای رهایی از توحش، ظلم، تعدی و جهالت! تمدن یعنی جنگ در برابر زورگویی، فرعون‌منشی و خودخدا پنداری! تمدن یعنی جنگ برای مصوونیت، سکنه و سکینه‌ی بشریت! تمدن یعنی جنگ علیه فساد و تحقق ارزش‌های اخلاقی و انسانی!

رزمندگان اسلام برای اهداف والایی که در بالا ذکر شد، مبارزه و مجاهده می‌کردند، نه برای استعمار، استثمار و استحمار آدمی! نه برای بردگی، تحقیر و تخفیف فرد و جامعه، بل برای تحقق جامعه‌ی فضیلت‌مند و تحصیل کرامت و شرافت انسانی. فتوحاتی را که موسی بن نصیرها در تاریخ اسلام انجام داده‌اند، جهت و جانش به‌وضوح روشن است. منابع، مصادر و آموزه‌های اسلامی و تاریخی همه این موارد را مهر تأیید می‌زنند، که اسلام برای دفع خشونت، احقاق حقوق برابر و تحقق عطوفت پا به صحنه نهاده است.

سوالات تحقیق

سوال اصلی: راهبرد اساسی موسی بن نصیر به‌منظور گسترش دین اسلام در جنگ چگونه بود؟

سوالات فرعی

- 1) صف‌آرایی‌های نظامی موسی بن نصیر در رویارویی با دشمن چگونه بود؟
- 2) سپه‌آرایی‌های موسی بن نصیر در بعد سیاسی چگونه بود؟
- 3) رویکر فرهنگی بن نصیر در رزم گاه با دشمن چگونه بود؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی: شناسایی شیوه‌ها و صف‌آرایی‌های نظامی، سیاسی و فرهنگی موسی بن نصیر در جهاد و فتوحات اسلامی در افریقا.

اهداف فرعی:

- 1) شناخت روش‌های نظامی قابل استفاده موسی بن نصیر در جنگ‌ها و فتوحات اسلامی.

(2) شناخت روش‌های سیاسی موسی بن نصیر در فتوحات و جهاد اسلامی افریقا.

(3) شناخت ابعاد فرهنگی فتوحات موسی بن نصیر در نبردها با دشمنان وی.

پیشنه‌ی تحقیق

چکیده‌ای از یافته‌های اسلام پژوهان و محققانی که در رابطه به فتوحات، مجاهدت‌ها و کشورگشایی‌های مبارزان اسلامی مسیرهای پرخم و پیچ تحقیق را پیموده‌اند، قرار زیر است: احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱) روی موضوعات مختلف بحث نموده یکی از سه نفری که در دوره‌ی ولید بن عبدالملک در فتوحات مسلمین مؤثر بودند موسی بن نصیر بوده، که به دلیل لیاقت اداری، نظامی و سیاسی که داشت، توانسته بعدها حوزه‌ای را به قلمرو خود اضافه کند که به تنهایی یک امپراطوری محسوب می‌شد.

احمد العدوی در کتاب خویش تحت عنوان موسی بن نصیر مؤسس المغرب العربی نوشته می‌کند: موسی در سن سی سالگی به ریاست نگهبانان برگزیده شد و در همین زمان با روش‌های نظامی آشنایی خوب کمایی کرد.

ابو حنیفه احمد بن داود دینوری در کتاب اخبار الطوال نوشته می‌کند موسی بن نصیر برای اداره‌ی این سرزمین مولای خود ((طارق بن زیاد)) را بر طنجه و حوالی آن ولایت داد و سپاهی متشکل از هفده هزار عرب و دوازده هزار بربر که مسلمان شده بودند، همراهی و رهبری نمود؛ او به‌طور خاص به اعراب ماموریت داد که به مردم این منطقه قرآن و فقه و دین بیاموزند.

طبری وابن خلدون و ابن اثیر و جرجی زیدان و غیره روی موضوعات و تأثیرات و نقش عملیات نظامی، سیاسی و فرهنگی موسی بن نصیر در این عرصه نوشته کرده و مهارت‌های رزمی، سیاسی و فنی وی را در امر رهبری تأیید کرده‌اند.

روش تحقیق

محققین و پژوهش‌گران روش‌های بی‌شمار را مطرح کرده‌اند و هریک مطابق نیاز جامعه خویش و حل آن معضل روشی را به کار برده‌اند. در این جستار از روش تحقیق کیفی استفاده برده و نوعیت تحقیق توصیفی و تحلیل محتوا بوده، نخست منابع از متون متفاوت جمع‌آوری سپس متون کدگذاری و استخراج گردیده و با روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل گردیده‌است.

اهمیت تحقیق

اهمیت و نقش موسی بن نصیر در فرایندی سیاست نظامی و چند بعدی‌اش در عرصه‌ی توسعه و پیشرفت تمدن اسلامی در امر انتقال فرهنگ اسلامی به جهان غرب یکی از موضوعات مهم تاریخ عصر اموی محسوب می‌شود که در سده‌های نخست هجری فتوحات اسلامی در زمان کوتاهی به اهداف خود دست یافته‌است، چرا که مسلمانان به برکت ایمان عمیق‌شان به اسلام و اراده‌ی پولادین خود از چنان شور و حماسه پر جوش برخوردار بودند، که در اندک زمانی به وجود و حضور هر دشمنی که به هر اندازه هم نیرومندی می‌داشت، پایان می‌دادند. او بر دشواری طبیعت هر چه بود چیره می‌گشتند. مگر در فتح مغرب که حدود هفت دهه طول کشید تا مسلمانان توانستند مقاومت بربرها را درهم شکنند و فتح اسلامی را به اقصی نقاط این سرزمین برسانند در واقع به دلیل توانایی نظامی بربرهای ساکن افریقا احدی نیز جرات نمی‌کرد، تا به دیار آنان یورش برد و اولین کسانی هم که این شجاعت را به خرج دادند لشکریان مسلمان بودند، با این حال سیر فتوحات در این منطقه بسیار کند بود و تا ورود موسی بن نصیر به این ناحیه پیروزی مسلمانان کامل نگشت. در تحقیقات و مطالعات مربوط به تاریخ اسلام چه در کتب دسته اول و چه در آثار پژوهشی در رابطه با سرگذشت موسی بن نصیر و بیان فتوحات وی شرح مطالبی آمده است. در واقع سرگذشت موسی بن نصیر از جمله موضوعاتی است که منابع به اشکال مختلف به آن پرداخته اند، اما در این تحقیق سعی شده است با بیان روایات مختلف و با استناد به منابع اصلی در خصوص سرگذشت رزمی وی این موضوع را به صورت کامل و منسجم عرضه داریم؛ چون: مجاهدت‌های رزمی، سیاسی و فرهنگی وی الگوی خوبی است برای نسل‌ها و رهروان امروزی وی.

نتایج و یافته‌ها

بیوگرافی مختصر موسی بن نصیر

موسی بن نصیر بن عبدالرحمن بن زید ملقب به عبدالرحمن در سال ۱۹ هجری در زمان خلافت عمر بن خطاب در شمال حجاز متولد گردید. برخی دانشمندان وی را از قبیله‌ی ((بکر بن وایل)) می‌دانند که قبل از ظهور اسلام در غرب فرات می‌زیستند و قبیله‌اش در جنگ‌ها و حملات در سرزمین فارس تاثیر به سزای داشتند. در دوره‌ی خلافت ابو بکر رض قبیله‌اش در صف جهاد قرار گرفتند و در این میان موسی بن نصیر فعال‌تر از دیگر افراد

خانداش بود. پدر نصیر از مسیحیانی بود که به وسیله‌ی سپاهیان مسلمان اسیر شد و سپس مسلمان گردید و در زمان حضرت معاویه رض ریاست اداره پولیس را دارا بوده، ولی در جنگ صفین از مخالفت با حضرت علی رض امتناع ورزید و حاضر نشد که جنگ کند، با این حال حضرت معاویه رض که از لیاقت و کفایت وی آگاهی داشت این حرکت وی را نادیده گرفت. با مسلمان شدن پدر، نصیر نیز به دست خالد اسیر شد اما خالد وی را نزد خود نگهداشت و به تربیت و آموزش موسی پرداخت. بعد از آزادی از اسارت، موسی به شام مراجعه کرد، در دوران کودکی موسی اطلاع کافی به دست نیست و تنها با اطلاع اندک دانسته می شود که دوران کودکی را در دمشق سپری نمود و سپس به مانند پدر به خدمت دستگاه اموی درآمد و در سن سی سالگی در دوره‌ی حضرت معاویه رض به ریاست نگهبانان برگزیده شد و در همین وقت با روش‌های نظامی آشنایی پیدا کرد. موسی بن نصیر بعد از حضرت معاویه رض تا روی کارآمدن مروان در دستگاه اموی حضور نداشت، و در سال ۷۷ از سوی عبدالملک والی آفریقا انتخاب شد. وی را رقیب طارق و حتا گاهی آن دو را سخت‌ترین دشمنان هم معرفی می کنند. موسی بن نصیر در سال ۸۹ هجری از طرف ولید بن عبدالملک والی آفریقا (تونس) انتخاب گردید و طارق بن زیاد که مولای وی بود را همراهش نمود موسی اسلام را از آفریقا تا سرحدات اروپا گسترش داد. یکی از رادمردان دلاور و نامدار در تاریخ اسلام بود، وی توانست که دستگاه خلافت اسلامی را در تمام قلمرو مغرب زمین تحکیم بخشید..

موسی بن نصیر یکی از سه نفری که در دوره‌ی ولید بن عبدالملک در فتوحات مسلمین موثر واقع بودند، از آن جمله موسی بن نصیر در میدان جنگ به دلیل لیاقت اداری و نظامی که داشت تاثیراتش بیشتر بود. او توانست بعدها گستره‌ی به قلمرو خود را اضافه کند که به تنهایی یک امپراتوری محسوب می شد. وی به حکمت، استواری رأی، حسن تدبیر شهرت داشت؛ برخی علما وی را مردی خردمند کریم النفس، شجاع و پرهیزگار می دانند. زمان حمله به دشمنان آفریقا هفتاد ساله بود، ولی همت جوانان را داشت وی از جمله از مقتدرترین و با کیاست‌ترین مجاهدان جنگ و سیاست در قرن نخست هجری بود.

مسولیت موسی بن نصیر دربصره

موسی بن نصیر بعد از سنین رشد به مصر رفت و در خدمت برادر خلیفه ((عبدالملک بن مروان (عبدالعزیز)) که والی مصر بود در آمد موسی توانست اعتماد وی را کسب کند

زمانی که عبدالملک بن مروان می‌خواست برادر خود بشر را والی عراق کند به علت جوان بودن بشر، تصمیم گرفت تا شخصی را به‌عنوان مشاور با وی همراه سازد. در این وقت به برادر خود عبدالعزیز در مصر نامه نوشت که من برادرت بشر را والی بصره قرار داده‌ام بشر نیاز به فرد آگاه در امور مالی و اداری دارد، پس موسی را با وی همراه ساز تا مشاور وی باشد و دیوان عراق را به او بسپار وی را آگاه ساز که در هر اتفاقی مسؤول است. عبدالعزیز سخن برادرش را پذیرفت و موسی را مشاور امور مالی بصره ساخت. بشر از مصر وارد بصره شد در حالی که موسی همراه وی بود و تا بر منصب حکومت بصره نشست همه کارها را به‌دست موسی سپرد و خود کنار کشید و موسی تنها مسؤول امور مالی و دیوانی بصره گردید.

موسی همواره امین و فرد مورد اعتماد بشر بود تا زمانی که وی از دینا رفت و ((حجاج بن یوسف ثقفی)) به‌جای او روی کار آمد و چون در سال ۷۵ هجری حجاج به امارت عراق رسید، موسی را به اختلاس و عدم امانت‌داری متهم کرد. در این زمان عبدالعزیز با اموال و خراج مصر به شام رفته بود و با همان اموال نیز به کمک موسی شتافت. موسی که از ترس حجاج به شام فرار کرده بود به کمک عبدالعزیز هزار دینار به خلیفه پرداخت کرد تا از جان وی در گذرد درحقیقت اگر شفاعت عبدالعزیز نمی‌بود، حجاج موسی را کشته بود. موسی بعد از آن همراه عبدالعزیز به مصر رفت و در همان جا سکونت اختیار کرد و در پیش وی باقی ماند و با احترام زیست. پناه دادن موسی نزد عبدالعزیز نقطه‌ی عطفی در زندگی سیاسی وی محسوب می‌گشت. چرا که در آن زمان بر اثر حوادثی والی افریقا، حسان بن نعمان از سمت خود برکنار شد و موسی به درخواست عبدالعزیز جانشین والی افریقا شد. موسی در وقت فرصت تبارز دادن توانمندی‌های نظامی خود را در یافت.

مسئولیت موسی بن نصیر در شمال افریقا

قبل از موسی بن نصیر در افریقا در سال ۶۹ هجری حسان بن نعمان به‌حیث والی بود؛ حسان در مغرب در برابر نفوذ رومی‌ها، دفع شر بربرهای ساکن و کشتن یکی از زنان کاهن (هولت)، آن منطقه که قدرت بسیار داشت خدمات شایانی نمود، اما با این وجود، دشمنان وی نزد خلیفه‌ی اموی و برادر وی عبدالعزیز عامل اموی در مصر شکایت نموده و شایع نمودند که حسان اراده و عزم استقلال طلبی دارد.

همین بدگوی و ایجاد بدبینی کافی بود تا عبدالعزیز فرمان امارت حسان را باطل و به جای وی موسی بن نصیر را جانشین گرداند.

هرچند زمانی که عبدالعزیز وابسته خود، موسی را برای سرپرستی فتوحات در مغرب انتخاب کرد، خلیفه در توانایی وی برای اجرای این مسوولیت به وی خوشبین نبود و حتا این نکته در مکاتباتش با عبدالعزیز انعکاس یافت. اما عبدالعزیز برادر خود را در این زمینه مطمئن ساخت. با اصرار عبدالعزیز بر جانشینی موسی به جای حسان، خلیفه این امر را پذیرفت، به این ترتیب عبدالعزیز در سال ۷۹ هجری یکی از نزدیک‌ترین مردان خود، موسی بن نصیر را والی افریقا تعیین نمود و موسی نیز توسط یک سلسله عملیات جنگی دلیرانه و جسارت که از خود و پسرانش بروز داد، نیروهای متحد بربر را درهم شکست، یونانیان را به کلی خارج کرد و سراسر کشور را امن و آرام گردانید.

درایت موسی بن نصیر

در عصر حاکمیت عبدالعزیز بن مروان، موسی بن نصیر متوجه مصر شد و آنجا را مهم‌ترین پایگاه فتوحات در شمال آفریقا می‌دانست که حضور نیروهای جنگی عرب در مصر نیز بر امتیاز آن می‌افزود. بعد از مشورت با این گروه نظامی و بررسی نبردهای قبلی بر آن بود تا بهترین و آسان‌ترین راه پیروزی بر ممالک دیگر شمال آفریقا را به دست آورد. همین گفت‌وگوها آغازگر زمینه‌ی حملات عربی به شمال آفریقا گشت و نتیجه‌ی غور و بررسی موسی در حملات قبلی به شمال آفریقا در این خلاصه می‌شد که سیاست اعراب بر پایه‌ی خارج کردن شمال آفریقا از یوغ رومی‌ها و تحت نفوذ خود درآوردن بار دوم رومیان نیز می‌کوشیدند تا تسلط خود بر شمال آفریقا را حفظ کنند.

موسی برای جلوگیری از اشتباه پیشینیان، تدبیر خود را برای جنگ جویان ترسیم نمود؛ به این ترتیب با ایجاد امنیت از نفوذ رومیان پیشگیری نمود. همچنین از یقیه را که شامل تونس، طرابلس، الجزایر، و قسطنطنیه بود به عنوان پایگاه خود برگزید؛ به دلیل این که این مکان مقر و مرکز نظامی رومیان و کلید پیروزی شمال آفریقا به شمار می‌رفت.

اوضاع بد سیاسی اسپانیا مقارن موسی بن نصیر

زمانی که آفریقا تحت حکومت اسلامی از نعمت آزادی عقیده و عدل و داد برخوردار بود و مراحل ترقیات اساسی را سریع می‌پیمود، در این وقت اسپانیا همسایه وی زیر پره‌های مظالم گوت‌ها خرد و نابود می‌شد. در این دوره اشخاص متمول، طبقات ممتاز از دادن

مالیات و سایر عوارض دولتی معاف بودند و از این رو طبقات متوسط که تمام بارهای کشور فقط تحمیل بر آنها بوده رو به خرابی و پریشانی نهادند. فعالیت مربوط به پیشه و هنر به واسطه‌ی گرفتن عوارض و مالیات زیاد و کمرشکن یکسره معدوم گردیده و تجارت و صنعت به کلی از کشور رخت برپست.

از طرف دیگر نازایی و بی حاصلی سرتاسر آن کشور را فراگرفت. کشاورزان و غلامان همیشه طوق بندگی به گردن داشتند. زارع و غلام مالک چیزی نبوده و هرگونه اختیاری را فاقد بوده و بی اجازه مالک قدمی نمی توانستند بردارند. حتا بدون اجازه و رضایت ارباب، حق ازدواج را نداشتند، از سوی حالات روحی و اخلاقی آنان نظیر مادیات آنها در نهایت درجه‌ی انحطاط و خرابی بوده است. یهودیان که عده بسیاری از آنان در آن شبه جزیره مسکن داشتند همیشه مورد تعقیب و آزار و اذیت سلاطین و کشیشان و نیز اشراف بودند. اینان منتظر منجی نجات بخشی بودند و توضیح آن که ایالت مسلمین در طرف دیگر تنگه به نظر این مردمی که گرفتار ظلم وجود سلاطین گوتیک روسای مذهبی بودند، آسمان امنیت و آرامش شمرده می شده است و لذا عده زیادی از آنها از این مظالم طاقت فرسا از خاک اسپانیا فرار کرده به استان مسلمانان یعنی به آفریقا پناهنده شده بودند. در این زمان که آفریقا به دست موسی بن نصیر اداره می شد، حکومت اسپانیا به دست رودریک بود. این فرد ((وی تیزا)) پادشاه سابق را مخلوع و مقتول نموده بود و خود صاحب تاج و تخت شده بود ((ژولین)) فرماندار بر اثر یک حرکت خلاف بی رحمانه‌ای که از رودریک نسبت به او در باره دخترش فلوریندا رسیده بود، ناچار ملحق به سایر فراریان اسپانیا گردیده و از موسی درخواست نمود که آن کشور را از چنگال ظالمانه پادشاه غاصبش نجات بخشد.

سلوک و برخورد موسی بن نصیر با بومیان محلی

نیروهای فاتح زمین‌های زراعتی اسپانیا را بین طوایف عرب و بربر تقسیم می کردند. این عمل سبب بروز کشمکش بین طوایف مختلف مسلمانان در اسپانیا گردید. و همان نخستین دهه‌ی سلطه‌ی مسلمانان بر اسپانیا طوایف بربر این منطقه، که زمین‌های کوهستانی و کم محصول به آنها واگذار شده بود، علیه‌ی فرمانداران عرب خود دست به شورش زدند؛ هرچند این شورش‌ها توسط عرب‌هایی که از سوریه گسیل شده بودند سرکوب گردید. همچنین مهاجرت عرب‌ها به اسپانیا عامل بسیار موثری در عربیزه و اسلامیزه نمودن مردم اسپانیا بود. مردم بومی این منطقه با عنوان موالی یا برده و یا مزدور به خدمت درمی آمدند و

همچنان گاهی با خانواده محلی ازدواج برقرار می‌شد. موسی بن نصیر پس از آن به مصر، ولایت خود بازگشت با این عقیده که شمال آفریقا به منطقه نفوذ دولت اسلام پیوسته است. با این که وی با بربرهای مخالف خود بسیار شدت عمل به خرج داد و بدون رحمت و شفقت آنان را کشت و ده‌ها هزار نفر از آنان را به اسارت گرفت. اما مسیر انتشار اسلام در میان بربرها باقی ماند.

عبیدالله بن صالح مورخ، تاکید می‌کند که پیش از اقدام برای فتح اندلس همه بربرها به درستی مسلمان شده بودند.

سیاست موسی بن نصیر در قبال بربر یک طرف دیگر هم داشت که بیشتر انسانی و مودت‌آمیز بود؛ او با کسانی که مسلمان شدند بر پایه‌ی مسالمت و همکاری متقابل عمل می‌نمود. موسی با این گروه به انصاف و محبت رفتار نمود و بین آنان و اعراب به مساوات عمل، از آنان به عنوان نیروی نظامی استفاده کرد، در مقابل اخلاص وی، آنان نیز اخلاص ورزیدند و در قبال دوستی نمودند. عملکرد موسی در آفریقا سبب شد وی به امیر قیروان معروف شود. (مونس، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

حیات سیاسی موسی بن نصیر در اندلس

زمانی که موسی بن نصیر به قیروان رسید دو امر مهم و بزرگ را احساس کرد و می‌بایست انجام دهد، تا سرزمین‌های شمال آفریقا عملاً در قلمرو دولت اسلامی درآید. او می‌بایست ابتدا مناطقی از مغرب ادنی و اوسط را که فتح نشده بود، به‌ویژه مناطق اطراف آن را که قبایل بربر در آن جا پناه گرفته بودند و هنوز پرچم مقاومت در برابر اسلام و دولت آن‌را برافراشته بودند، فتح می‌کرد و در مرحله‌ی بعدی مغرب افقی که هر چند ((عقبه بن نافع)) با عبور از آن تا ساحل اقیانوس اطلس رفت اما بربرهای آن جا هنوز در برابر حکومت مسلمانان تسلیم نبودند فتح می‌نمود.

نخستین کار موسی پس از رسیدن به قیروان این بود که سپاهی به منطقه زعوان در نزدیکی قیروان اعزام کند. این سپاه منطقه مذکور را فتح و شمار بسیاری از ساکنان بربر در آن جا را اسیر کرد و فرمانده آنان ((ورقطان)) نیز دستگیر شد. (ابن عذاری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۲)

موسی بن نصیر پس از آن به مصر بازگشت، با این عقیده که شمال آفریقا به منطقه نفوذ دولت اسلام، پیوسته است. به دلیل عملکرد موسی با ساکنان شمال آفریقا وی موفق شد پایه‌های دولت اسلام را در سراسر مغرب تا کرانه‌های اطلس و انتهای صحرای بزرگ آفریقا

تثبیت کند و در روزگار او هیچ نقطه‌ای از سیطره مسلمانان خارج نماند. پیروزی مسلمانان در نشر اسلام در روزگار موسی بن نصیر در مغرب اقصی و نزدیکی به بربرها و عرب ساختن آن‌ها گام‌های موثری در مسیری طولانی به سوی شبه جزیره ایبری و برپایی دولت عرب اسلام در جنوب قاره اروپا پس از ناتوانی خلفای دمشق از تحقق چنین دستاوردی در کرانه‌های بسفر او با مساعدت و یاری آنان موفق شد پایه‌های دولت اسلام را در سراسر مغرب تا کرانه‌های اطلس و انتهای صحرای بزرگ افریقا تثبیت کند و در روزگار او هیچ نقطه‌ای از سیطره‌ی مسلمانان خارج نماند، جز شهر سبته که یک نفر مسیحی از گوت‌ها و شاید از رومیان بیزانسی به نام یولیان بر آن‌جا فرمانروای می‌کرد و با قدرت و عناد در مقابل مسلمانان ایستاد. موسی پس از آن برای تسلیم عاصیان و معارضان قبایل همراه زناته و کتامه حرکت کرد و بر آنان تاخت و شماری از آنان را کشت و شماری را به اسارت گرفت. و آنگاه که از وی امان خواستند با آنان صلح کرد و عده‌ای از گزیدگان خود را برای انجام صلح نزد او به گروگان گذاشتند. (ابن عذاری، ۱۴۰۰، ج: ۱، ۳۴)

موسی بن نصیر برای اداره‌ی این سرزمین مولای خود ((طارق بن زیاد)) را به طنجه و اطراف آن ولایت داد و سپاهی متشکل از هفده هزار عرب و دوازده هزار بربر که مسلمان شده بودند همراه او نمود؛ او به طوری خاص به سپاهیان ماموریت داد که به مردم این منطقه قرآن و فقه و دین بیاموزند. این مردم اساساً با اسلام به عنوان یک دین و عقیده بیگانه نبودند. زیرا ((عقبه بن نافع)) شماری از فقه‌ها را در میان آن‌ها باقی گذاشت تا قرآن و اسلام را به آن‌ها بیاموزند (دینوری، ۱۳۸۱: ۲۹۱). بعد از تسلط عقبه بن نافع بر مسیله و دستیابی به اقلیم حاصل خیز زاب مسلمانان عملاً وارد منازل قبایل بربر شدند که مشهورترین آنان ((لواته)) و ((هواره)) بود، که تسلط یافتند.

چهار نفر از پسران عقبه بن نافع همراه موسی بن نصیر بودند. موسی آنان را با سپاهیان برای فتح منطقه ((سجومه)) فرستاده بود اعزام کرد تا اهالی بربر ساکن آن‌جا را تسلیم کنند. موسی دست پسران عقبه را میان آنان بازگذاشت تا انتقام خون پدرشان را از آنان که در شکست عقبه بن نافع شرکت داشتند بگیرند. علاوه بر آن هدف دیگر موسی آن بود که این منطقه دروازه‌ی ورود به اسپانیا و طنجه بود و نتیجه‌ی نبرد، شکست و تسلیم اهالی سجومه و اسارت هزاران نفر از آنان و اسارت خانواده‌ی ((کسیله بن لمزم)) بود. موسی بن نصیر برای انجام ماموریت بزرگ یعنی به تسلیم درآوردن و فتح مغرب و وادار کردن این سرزمین به منطقه‌ی

نفوذ مسلمانان سپاه فراوانی تشکیل داد، اما بربرهای آن‌جا که اخبار برخورد مسلمانان با بربرهای مغرب ادنی و اوسط و نیز آزار و اذیت و اسارت ده‌ها هزار نفر از آنان را شنیده بودند، فرار کردند. موسی با سپاهیان خود به آنان رسید و پس از نبرد شماری بسیاری را کشت؛ تا این‌که از او امان خواستند و تسلیم شدند. با سرعتی شگفت‌آور که شاید یکی از علل آن خشونت بسیار بود. مغرب افقی تسلیم اسلام گشت و مردم بربر در برابر دین و دولت اسلام رام و فرمان‌بردار شدند. پسران عقبه ششصد نفر را از میان اسرا بدون توجهی شرعی و بدون قصد انتقام شخصی و شاید برای ترساندن بربرها کشتند تا تضمینی برای تداوم فرمان‌برداری آنان از مسلمانان باشد (ابن اثیر، ۴: ۱۴۴).

اسپانیا مورد دقت و توجه موسی بن نصیر

وضعیت حکومت ویسیگوتیک و بی‌اعتنای جمعیت ستم‌دیده اسپانیایی-رومی امید راحت و آسان را در اختیار مسلمانان گذارد که به تازگی در دیگرسوی تنگه‌های جبل الطارق استقرار یافته بودند. موسی بن نصیر که به گونه‌ای پیروزمندانه مراکش را ساخته بود. به همراه نایب خود طارق بن زیاد فرماندار طنجه و با مشارکت کنت ژولیان اسطوره‌ی معروف به فاتحان خوش اقبال اسپانیا تبدیل شدند؛ ورود اولین نیروهای مسلمان به اسپانیا حرکت یک نیروی چهارصد نفری به رهبری طریف که خود یک بربر بود، آغاز شد، تا هنوز جای پای مسلمانان در افریقا استقرار نیافته بود که به فکر عبور از تنگه‌ی جبل الطارق در بین افریقا و اورپا افتادند.

این واقعه در سال ۷۱۰م روی داد. با حکمرانی موسی بر افریقا، اسپانیا همزمان تحت فرمان ((ویزیگوت)) و حکمرانی ((رودریک)) بود. عرب‌ها در نیمه‌ی دوم قرن هفتم م برای فتح اسپانیا اقدام کردند و به دوران امپراطور کت، ومبا، که حکومتش از ۶۷۲ تا ۲۸۰م بود به سواحل اسپانیا حمله بردند. عرب‌ها از مدت‌ها پیش به انتظار فرصتی برای فتح اسپانیا بودند و عواملی به این امر کمک کرد، از جمله اشتیاق یولیان به دولت آل غطیشه که سبب همکاری وی با موسی بن نصیر شد.

این حقیقت مسلم است که موسی بن نصیر در سال ۷۱۰م/۹۱ هجری با تصور سلطه کامل بر مغرب به فکر حمله به اسپانیا افتاد.

موسی بن نصیر این منطقه را چنین توصیف می‌کند: آسمان و زمینش به زیبایی سوریه، آب و هوایش مانند یمن، گل‌ها و عطرهاى دل‌انگیزش مانند هندوستان، میوه هایش چون مصر

و فلزگران بهایش مانند چین. اسپانیا شهری بزرگ و پرجمعیت داشت که با عمران و آبادی خود می درخشید و به همان نسبت مردم آن در فساد و تباهی فرو رفته بودند؛ از این رو اگر چنین کشوری هرچند هم در ظاهر بزرگ باشد، به دست عده‌ی کمی از مردم متدین و پرشور که معتقد بودند خداوند آن‌ها را برای هدایت بشر فرستاده است و در ضمن غنایم جنگی نیز آن‌ها را به جنگ می کشانید سقوط کند. نباید تعجب کرد مسلمانان این جهاد را موجب افزایش تعداد مسلمین و تضمینی برای فتوحات خود می دانستند. مسلمانانی که در اندیشه‌ی آخرت نبودند. نیز اسپانیا را کشوری پر نعمت برای خویش یافتند به همین جهت فتح اسپانیا مقصد دنیا و آخرت مسلمانان را تامین می کرد؛ در این اثنا موسی بن نصیر بلاد مغرب را بگشود و تنها شهر ((سبته)) که کلید فتح اسپانیا بود، فتح نشده بود. در پایان سال ۷۰۹م امپراطور ((ویتی کا)) که بعد از ((اژیکا)) به حکومت اسپانیا رسیده بود معزول شد و در اوایل سال ۷۱۰م آشیل به جایش نشست عرب‌ها ((ویتی کا)) را غیطه می نامند. آشیل دیری نپایید و در بهار همان سال به دست بزرگان و پشویان مذهبی معزول شد و ((رودریک)) فرماننده سپاه گت که عرب‌ها او را لذریق نامیده‌اند به جای وی انتخاب شد. او آخرین پادشاه گت بود که در اسپانیا حکومت کرد. کنت ژولیان حاکم شهر سبته که با رودریک دشمنی داشت با حزب آشیل، یار شد تا از دست رودریک خلاص شود، سپس از موسی بن نصیر کمک خواست او نیز فرصت را برای حمله به اندلس مناسب دید و با عبدالملک در این باب مشورت کرد. ولید در آغاز مردد بود عاقبت بدو اجازه داد، اما گفت که احتیاط کند مبدا ژولیان درصدد فریب مسلمانان باشد. موسی به کمک ژولیان به مرزهای جنوبی اندلس حمله برد و با غنایم فراوان بازگشت. خبر پیروزی طریف سبب شد موسی تشجیع شود و سپاهی مرکب از هفت هزار نفر که بیشتر شان بربران بودند فرماندهی طارق بن زیاد حاکم طنجه برای تسخیر اندلس بفرستد. طارق بن زیاد به کمک کشتی‌های حاکم سبته نزدیک صخره‌ای به نام جبل الطارق در ساحل اسپانیا پهلو گرفت طارق در سال ۹۲هجری با کشتی‌های ژولیان از دریا گذشت و در جنوب اسپانیا فرود آمد، در این هنگام ((رودریک)) سرگرم فرونشاندن انقلابی بود که آشیل و طرفدارانش در شمال پدید آورده بودند. وقتی از هجوم عرب آگاه شد، خطر را دریافت و برای نجات کشور خویش با شتاب تمام، سپاهی نزدیک به صد هزار نفر فراهم آورد، اگر این سپاه نظم کامل و روحیه‌ی خوب داشت سپاه طارق را از میان برمی داشت (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۳۳). باید گفت که طارق به

دلیل آن که صادق با خلاق شجاع و دارای حسن رفتار با سربازان برابر بود، مقرب و مورد اعتماد موسی بن نصیر قرار گرفت و فرماندهی نخستین حمله جدی اسلام به اسپانیا به او واگذار شد. بزرگ‌ترین اعجاز مسلمانان در فتح مغرب، به وقوع پیوست. به ناگاه مقاومت بربرها در هم شکست و حاکمیت سیاسی مسلمانان استقرار یافت و دین با سرعتی خارق العاده اشاعه پیدا کرد این تغییر اوضاع با نام موسی بن نصیر ربط می‌یابد و این وسوسه پیش می‌آید که او را فاتح حقیقی شمال آفریقا بپنداریم. در واقع جای تعجب است که چرا وقایع نگاران عرب از او اطلاعات بسیار اندکی می‌دهند، ممکن است به این علت باشد که وقایع نگاران معاصر شرح تفصیل ماجراجویی‌های او را گستاخانه پنداشته‌اند.

کارزار پیروزمندانه‌ی طارق در کنار وادی بکه

طارق بن زیاد در کنار وادی بکه در سال ۹۲ هجری/۷۱۱م با نیروهای رودریک روبه‌رو شد و این جنگ هشت روز ادامه پیدا کرد در این وقت موسی بن نصیر پنج هزار نیرو به کمک طارق فرستاد، در این جنگ طارق پیروز شد از جمله عوامل پیروزی وی آن بود که دو پسر غیطشه و یارانش در اثنای جنگ به عرب‌ها پیوستند، به علاوه ژولیان بسیاری از سپاهیان ((رودریک)) را به‌سوی خود جلب و در سپاه وی نفاق و تفرقه انداخت. این پیروزی درهای شبه جزیره لیبیا را به رویشان گشود. چنان‌که پس از آن هرگز مجبور نشدند در فتوحات خود پا به معرکه‌ای چنین مهم بگذارند. شمار بسیاری از نیروهای گوت در میدان جنگ بر زمین افتادند و لزیق ناپدید شد (ابراهیم حسن، ۱۳۸۶: ۳۵۷). در این پیروزی مسلمانان، شماری از نیروهای خود را از دست دادند شماری به اسارت گرفته شدند؛ اما آنچه مهم بود آن که روحیه‌ی مسلمانان بالا رفت و نقاط ضعف در نیروهای نظامی اسپانیا را شناختند.

پس از پیروزی مسلمانان در بکه امکانات عظیم و سریعی برای یاری طارق بن زیاد و پشتیبانی از حمله او در سرزمین مغرب به‌راه افتاد. موسی بن نصیر که به فتوحات طارق رشک برد و از نافرمانی او به خشم آمده بود در الجیراس مستقر شد و به همراه هجده هزار تن از سربازان خود، بعد از تسخیر ((مدنیاسیدونیای))، ((کارمونا)) و ((الکالا دوگرادرا)) بدون هیچ مشکلی سویل را به تصرف خود درآورد. او تنها در مقابل استحکامات مریدا که هواداران اصلی شاه رودریک در آن اجتماع کرده بودند، مجبور شد شش ماه را در محاصره بگذراند. به محض آن که این شهر تسلیم شد، موسی راه ((تولدو)) را درپیش گرفت و

با طارق ملاقات کرد و با تحقیر و تمسخر این سردار نامی، گنجینه‌های متعلق به سلسله ویسگوتیک را از وی تحویل گرفت. موسی بن نصیر در صدد بود تا از طریق ((ساراگوسا)) به لریدا)) یورش برد. اما خلیفه‌ی اموی ولید، به وی فرمان داد همراه طارق در دمشق حاضر شده و در مورد فتوحاتش توضیح دهد.

نخستین پیروزی مسلمانان توسط طریف با چهار صد نفر سرباز پیاده و صد نفر سواره بربر در شبه جزیره کوچکی که آخرین بخش جنوب غربی اورپاست، حاصل شد. این امر در سال ۹۲ هجری / ۷۱۱ م تحقق یافت. طریف مولای موسی بن نصیر ولایتدار امویان در شمال افریقا بود. و این شبه جزیره تاکنون نیز به نام طریف (تاریغا) در جغرافیای اروپا باقی مانده است. موسی بن نصیر با تجربه که از همکاری با بربرها داشت عده‌ای از آن‌ها را تا طریفه پیش برد و هر جا دست به حمله می‌زد با مقاومت سختی مواجه نمی‌گردید. موسی بن نصیر هم، چون وضع را بدین گونه دید عزم خود را برای پیشروی بیشتر جزم کرد و در سال بعد نیروی تازه مرکب از دوازده هزار جنگ‌جو را که اکثر آن‌ها بربر بودند تحت فرمانده طارق بن زیاد مامور نمود که در خاک اسپانیا پیشروی کنند. طارق بن زیاد با این سپاه اندک کلیه لشکریان ویزیگوت را شکست داد. سرپادشاه آن‌ها رودریک را برید و برای خلیفه به دمشق فرستاد. طارق پس از این پیروزی به تسخیر شهرهای اسپانیا پرداخت و بر اشلیه و قرطبه و طلیطله استیلا یافت. گت‌ها این شهرها را خالی کرده بودند و تنها یهودیان در آن مقیم بودند که طارق آنان را در انجام مراسم دینی شان آزادشان گذاشت.

منابع عربی می‌نویسند که غریزه انسانیت و حسادت موسی بن نصیر در مقابل دستاورد موسی و فرمانده زیردستش طارق و پیروزی‌های وی که ابعاد آن از امیال و آرزوهای مسلمانان در گذشته تحریک شد. با وجود آن، ما بعید می‌دانیم که موسی بن نصیر چنین واکنشی در قبال فرمانده زیردست خود انجام داده یا به او حسد ورزیده باشد. زیرا طارق از طرف والی مغرب می‌جنگید بنام او پیروز می‌شد و فتح می‌کرد و به هنگام سختی‌ها و شاید به او مراجعه کرد. از این‌ها گذشته همواره با موسی در ارتباط بود و خبر هر پیروزی را به او می‌داد و تا آن‌جا که امکان داشت با وی مشورت می‌کرد و پس از پیروزی متوجه او شد خواه این روایات درست باشد یا نه. موسی بن نصیر از ترس این که مبدا نیروهای اسپانیا برای انتقام از شکست خود بازگردند و شاید در صورت صحت روایات مورخان به منظور رقابت و هم‌چشمی با طارق در فتوحات به سرعت نیروی قدرت‌مندی برای پشتیبانی

سپاه طارق راه انداخت. پس از آن که نیروهای طارق پیاده شدند. (نوذری، ۱۳۸۲: ۲۶۳) چنانچه گفته‌اند موسی پس از چندین حمله‌ی موفقیت‌آمیز بر دره‌های سر راه پایتخت سید و طارق را مجبور کرد که همه گنجینه‌های به‌دست‌آمده در کاخ شاهی با ضبط شده از کلیساها را به او تسلیم کند. موسی بن نصیر فرمان داد تا سکه‌های به خط لاتینی با شعار اسلامی زدند. مملکت ویزیگوت‌ها همچون خانه‌ای مقوای فرو ریخت و پیشروی به شمال در مقابل مسلمانان باز شد.

قسمی که او توانست به همراه سپاه شکست ناپذیر خود تا مناطق ((گوادالجر)) و ((الکالادو هنارس)) به پیش تازد. طارق از رویارویی با سپاه گوت وحشت داشت سپاهی را که بیش از حد انتظار بزرگ و بیش از سپاه طارق بود، مطابق برخی منابع صد هزار سواره داشت طارق در مقابل از موسی بن نصیر تقاضای نیروهای کمکی کرد فرمانده مسلمان به سرور و مافوق خود موسی بن نصیر نوشت که پادشاه اندلس آن قدر نیرو آورده که او را یارای مقاومت نیست. وی شهر شدونه را با زور گشود از آن‌جا به قرمونه که دژ عظیمی داشت به همین دلیل موسی به حيله و فریب متوسل شد و گروهی از سربازان یولیان را برآن داشت تا با موافقت اهالی در روز وارد شهر شوند آنان به مردم شهر خیانت کرده شب هنگام دروازه‌های شهر را برای مسلمانان گشودند و بدین گونه سپاه موسی بدون جنگ بر قرمونه چیره شد. این پیروزی موسی بود. موسی از آن‌جا راهی اشبلیه شد. با اهالی این شهر پیکار کرد و بعد از یک ماه شهر را محاصره گرفت تا آن‌که این شهر نیز به‌دست مسلمانان سقوط کرد.

وقتی که موسی بن نصیر از پیروزی طارق خبر یافت، غیرتش تحریک شد و خواست افتخار اندلس نصیب وی شود و از غنایم آن سهمی ببرد، لذا سپاهی زیاد برای تکمیل فتح اندلس فراهم آورد و نامه‌ای به طارق نوشت که هرکجا هست بماند تا وی برسد. اما طارق پس از مشورت با سران سپاه از اطاعت وی سر پیچید. زیرا وقفه‌ی جنگ مسلمانان را به خطر می‌انداخت و به گت‌ها فرصت می‌داد که دست و پای خود را جمع کنند. از این رو فتوحات خود را ادامه داد تا به طلیطله رسید.

اما به نوشته‌ی ابن اثیر اختلاف بین طارق و موسی در هنگامی فتح اندلس و برخورد آنان با یکدیگر از یک سو و ترس خلیفه از دیگر سو و محبوبیت موسی از سوی دیگر باعث شد که خلیفه وی را به دمشق احضار کند. (ابن اثیر، ج ۴: ۴۴۸ و ابن خلدون، ج ۲: ۲۰۲-۲۲۲) ولید

از قصه‌ی وی خبر یافت فرمان داد که از پیشروی چشم پیو شد و موسی و طارق را به نزد خویش خواند، زیرا نمی‌خواست که مسلمانان را در خطر بیندازد، به علاوه بیم داشت که اگر موسی فتوحات خود را به پایان برد نفوذش فزونی گردید و هوس استقلال کند. موسی به فرمان خلیفه تا به سوی دمشق حرکت کرد اما پیش از ورود وی ولید بیمار شد، بیماری‌ای که در آن درگذشت. سلیمان بن عبدالملک که ولیعهد بود از موسی خواست راه دمشق را آهسته بسپارد تا پیش از رسیدن وی ولید مرده باشد، زیرا می‌خواست غنیمت‌ها و هدیه‌ها که همراه موسی بود نصیب وی شود، اما موسی این دستور را پذیرفت و سلیمان کینه او را در دل گرفت و وقتی به خلافت رسید او را به معرض بازخواست برد.

موسی با غنایم و جواهر بی‌شمار و سی هزار اسیر به همراه طارق عازم دمشق شد تا آنچه را آورده به خلیفه تسلیم کند ولید پس از سه روز در گذشت و سلیمان به جای وی نشست، اما دارایی موسی و تمام افراد خاندان او را مصادره کرد. بنا به نوشته‌ی یعقوبی، طارق از مولای خود نزد سلیمان بدگویی کرد پس سلیمان تمام مال او را گرفت و صد هزار دینار از وی مطالبه کرد، موسی گفت هنگامی که روی کار شما آدمم اسبی و پوستینی داشتم اکنون هم همان را به من بدهید و خود دانیید و بقیه. (یعقوبی، ۱۳۶۵ ج ۲: ۲۵۲) موسی بن نصیر قبل از حرکت، استیلای خود را به منطقه‌ی زیر سلسله کوه‌های پیرنی میان فرانسه و اسپانیا، تا گالی سیاه کامل ساخت. او را در اواخر سال ۹۵ هجری / ۷۱۴ م راهی دمشق شد و پسر خود عبدالعزیز را به عنوان فرماندار اندلس برگمارد. اسپانیا را آرام کرد و با تیودومیر، حاکم منطقه مورسیا پیمان اطاعت و تسلیم به امضا رسانید. وی بعدها با بیوه‌ی رودریک ازدواج کرد و در سال ۹۷ هجری / ۷۱۶ م به دستور خلیفه سلیمان آن هم بعد از دو سال حکومت درسویل به قتل رسید.

اطاعت عبدالعزیز از دستور پدر در اندلس:

زمانی که موسی بن نصیر می‌خواست به سمت دمشق حرکت کند فرزند خویش عبدالعزیز را به عنوان حاکم اندلس برگزید. عبدالعزیز امور حکومت را نظم بخشید و کمیته‌ای تشکیل داد تا احکام و قوانین متناسب با وضع مردم را تنظیم کنند. به زراعت و اصلاح راه‌ها توجه کرد، مظلّم گت‌ها را از میان برد، مالیات سنگین را تخفیف داد و طبقات مردم را با رعایت دین و نژاد مساوات بخشید و مردم را به دین و مال و جان امان داد و عرب‌ها را به آمیزش و

ازدواج با بومیان ترغیب نمود، خود او نیز با بیوه‌ی رودرویک که بر دین خویش بود ازدواج نمود.

سرنوشت ناگوار موسی بن نصیر

بعد از فتح اندلس (اسپانیا) تمام فکر موسی متوجه ((جلیقیه)) بود که فرنگی‌ها آن را ((گالیا)) می‌نامند. مرکز گالیا شهری بود که عرب آن را ((شانت یاقو)) می‌خواندند. در همان اوقات که وی سرگرم لشکر کشی و عزیمت به سوی گالیا بود مغیث رومی فرستاده خلیفه ولید بن عبدالملک سر رسید و نامه‌ی خلیفه را که به او دستور داده بود از اسپانیا خارج شود و از پیشروی باز ایستد به وی داد. موسی بن نصیر از این دستور نا بهنگام خلیفه ناراحت شد؛ زیرا در آن هنگام تنها شهری که هنوز به دست مسلمانان تصرف نشده بود، گالیا بود که موسی بن نصیر بر آن بود تا به هر نحوی آن را فتح نماید. ناچار با فرستاده خلیفه از درمهربانی درآمد و از وی درخواست مهلت نمود تا کالیا را اشغال نماید و او در پاداش و غنیمت آن شهر سهیم باشد. مغیث با پیشنهاد موسی موافقت نموده و با موسی بن نصیر به سوی گالیا شتافتند. وقتی موسی وارد صحرای آن جا شد، دژهای ((بارو)) و ((لک)) را گشود، در آن جا اقامت گزید و دسته‌هایی از سپاه خود را در اطراف پراکنده ساخت تا به ((صخره بلای)) واقع در ساحل اقیانوس اطلس رسید. اهالی آن جا نیز ناچار به تسلیم شدند و قبول جزیه نمودند و سپاهیان عرب در دشت‌های آن جا سکونت ورزیدند. بربرها و عرب‌ها به هر نقطه که می‌رسیدند و آن جا را می‌پسندیدند، توقف می‌کردند و منزل می‌گزیدند. بدین گونه دامنه‌ی اسلام در سر زمین اسپانیا وسعت یافت و سراسر قلمرو آن را فراگرفت.

در همین زمان فرستاده دیگری از طرف ولید بن عبدالملک سر رسید و موسی را در تاخیر حرکت به سوی دمشق سرزنش نمود. ولید به فرستاده‌ی دوم دستور داده بود موسی را ملزم کند که رهسپار دمشق شود. موسی بن نصیر نیز ناگزیر جلیقیه (گالیا) را ترک نمود و به شهر اشبلیه آمد. در آن جا فرزندش عبدالعزیز بن موسی را به عنوان فرمانروای کل اسپانیا به جای خویش منصوب داشت و خود با طارق بن زیاد در سال ۹۵ هجری باغنایم و جواهر بی حساب و سی هزار اسیر عازم دمشق شد. در عین حال او همچنان مشتاق جهاد و گشودن ممالک دیگری بود و از این که خلیفه او را از تعقیب منظورش باز داشته است سخت متاسف بود. او آرزو مند بود که فرصت یابد و بقیه کشورهای اروپا را فتح کند. (ارسلان، ۴۶: زمان که موضوع او به خلیفه ولید بن عبدالملک رسید، از این که وی این همه در کشورهای

مسیحی پیش رفته و مسلمانان را مقهور نموده، در آن کشورها ساکن گردانیده است به سختی ناراحت شد. از این رو سفیری فرستاد و موسی را توییح کرد و دستور داد که به مرکز خلافت (دمشق) مراجعت کند. درضمن به سفیر خود سفارش کرده بود چنانچه موسی بن نصیر از آمدن خودداری کرد مسلمانان را از اسپانیا و سایر نقاط اروپا به این سوی دنیای اسلام کوچ دهد. علت خشم سلیمان بن عبدالملک نسبت به موسی بن نصیر این بود که شنید وی غنایم و اسرای بی شماری وارد مصر شده و اشراف و بزرگان و فقه‌های مصر را مورد نوازش و اکرام قرار داد. در این زمان خلیفه ولید بن عبدالملک بیمار گردید و در همان اوقات نامه‌ی خلیفه به وی رسید که در آمدن به دمشق شتاب کند؛ ولی متعاقب آن از سلیمان عبدالملک برادر خلیفه نامه‌ی دیگری برای موسی رسید که در حرکت به سوی پایتخت شتاب نکند. یعقوبی بدگویی طارق بن زیاد را از موسی بن نصیر نزد سلیمان دلیل این خشم می‌داند. (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۵۲) موسی بن نصیر طبق فرمان خلیفه تعجیل در آمدن نمود و سه روز قبل از فوت خلیفه وارد دمشق شد و غنایم و اسرا و ذخایر را که آورده بودند به وی تسلیم نمود. این عمل باعث خشم سلیمان بن عبدالملک شد و چون ولید درگذشت و سلیمان به جای وی نشست دارایی موسی بن نصیر و تمام افراد خاندان او را مصادره کرد و با فجیع‌ترین وجهی مجازاتش نمود.

به گفته‌ی ابن عذاری مراکشی در ((تاریخ المغرب فی اخبار ملوک الاندلس والمغرب)) راجع به پایان کار و سرنوشت موسی بن نصیر می‌نویسد: ((ولید بن عبدالملک در سال ۹۶ هجری درگذشت و سلیمان، برادرش به جای او نشست و سخت بر موسی بن نصیر خشم گرفت تا جایی که فرمان داد او را در یک روز بسیار گرم وسط آفتاب نگاه دارند. موسی بدنی فربه داشت آن قدر او را در آفتاب نگاه داشتند که بیهوش شد و نقش بر زمین گردید. وقتی به هوش آمد سلیمان به وی گفت: من به تو نوشتم در آمدن به دمشق شتاب مکن، ولی اعتنا به نامه‌ی من نکردی اکنون جریمه‌ات این است که باید صد هزار دینار تقدیم کنی، موسی گفت قربان آنچه با من بود از من گرفتید، دیگر صد هزار دینار از کجا بیاورم؟ سلیمان گفت: حتما باید این مبلغ را تسلیم کنی موسی از خلیفه استدعا کرد او را از پرداختن این مبلغ هنگفت معذور بدارد. ولی سلیمان ناراحت شد. گفت نه نمی‌شود حال که اصرار می‌کنی باید سیصد هزار دینار زر سرخ آماده کنی سپس دستور داد او را شکنجه دهند و خواست دستور قتلش را صادر کند. ولی او به ((یزید بن مهلت)) که نزد خلیفه محترم بود

پناه برد و سلیمان هم به خاطر ((یزید بن مهلت)) از قتل او صرف نظر کرد ولی گفت باید آنچه دارد تسلیم کند؛ گویند موسی بن نصیر یک میلیون دینار به خلیفه تسلیم کرد و خود را از مهلکه نجات داد. موتگو این روایات را افسانه می‌پندارد و معتقد است که وی اسپانیا را در ۷۱۴ ترک کرده است. زیرا در سال ۷۱۵ به دمشق رسید (یعقوبی، ج ۱، ۱۳۷: ۲۸۰)

نتیجه‌گیری

مرد شایسته‌ی تاریخ اسلام و فاتح بزرگی آفریقا و اروپا موسی بن نصیر است که خدمات سترگ در عرصه‌ی فتوحات و نشر تمدن اسلام انجام داده است، از دیگری دیده نشده است. رفتاری هم که سلیمان بن عبدالملک خلیفه‌ی اموی همراه وی نمود، هیچ جنایت کاری نکرده است. موسی بن نصیر نه تنها از جمله مردان نامدار و بزرگ اسلام است، بلکه از مردانی نامی و شهیر جهان به‌شمار می‌رود. برای درک عظمت وی بسنده و کافی است که خواننده بداند، او کسی بود که بربرهای سلحشور و پرحلاکت و سخت‌جان را، پس از شورش‌ها و مقاومت‌ها و جنگ‌های پی‌درپی، سرکوب و آرام نمود و با این که دوازده بار از پذیرش اسلام سرباز زدند، سرانجام همگی به‌دست وی مسلمان شدند و به اسلامیت خود ثابت ماندند و نیز کافی است که خواننده بداند، که وی در سن هفتاد و پنج سالگی وارد اسپانیا شد و تمام آن کشور را فتح کرد و امور آن‌جا را نظم بخشید؛ در حالی که او و سربازان تحت فرماندهی مخصوصش طارق بن زیاد، از سی هزار تجاوز نمی‌کرد.

منابع

- ابراهیم حسن، حسن. (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۶۳). العبر. ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۴، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن عذاری، محمد بن محمد، (۱۴۰۰) البیان المغرب فی اخبار المغرب، ج ۲، ۳، بیروت دارالثقافه.
- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمدآیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ارسلان، شکیب. تاریخ فتوحات اسلامی. ترجمه علی دوانی، دفتری نشر فرهنگ اسلامی.

آیتی، محمد ابراهیم. (۱۳۶۳)، اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا. تهران: انتشارات دانشگاه.

بلاذری، ابوالحسن. (۱۴۰۴). فتوح البلدان. قم: نشر الارمیه.
سالم، عبدالعزیز. (۱۹۸۸). تاریخ المسلمین و آثارهم فی اندلس. بیروت: دارالنهضت العربیه.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۸). تاریخ طبر. ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر اساطیر.
عزالدین، ابن اثیر. تاریخ کامل. ترجمه عباس خلیلی، ج ۷، ۴، ۳، ۲، تهران: انتشارات علمی.
عنان، محمد عبدالله. تاریخ دولت اسلامی در اندلس. ترجمه عبدالحمید آیتی، ج ۱، تهران: انتشارات کیهان.

لشکری، حفیظ الله. (۱۳۹۹). زاندلس اسلامی تا اسپانیای مسیحی. کابل: بشارت.
لودر، دوروتی. (۱۳۴۴). سرزمین و مردم اسپانیا. ترجمه شمس الملوک مصاحب، بنگاه ترجمه و نشر کتاب

مونس، حسین. سپیده دم اندلس. ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی،

نعنعی، عبدالمجید. (۱۳۸۶). دولت امویان در اندلس. ترجمه محمد سپهری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

